

فشار هنجار تعهد اجتماعی در ایران

علی یوسفی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*
مارینا فرهودی زاده، دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه فردوسی مشهد
مرضیه لشکری دربندی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

تعهد اجتماعی حاکی از هم ذات‌پنداری و وابستگی عاطفی فرد با جامعه است. این تعهد متضمن ترجیح نفع جمعی بر نفع فردی (تعهدپذیری) و قبول انتظار جامعه برای گذشتن از نفع فردی (فشار هنجاری) است. تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش انسجام اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که ۶۴٫۶ درصد از ایرانیان تعهدپذیر اجتماعی‌اند و در دوراهی نفع جامعه-نفع خود، نفع جامعه را ترجیح می‌دهند و انتظار جامعه را نیز چنین می‌دانند. در مقابل ۱۷٫۳ درصد از آنها نیز تعهدناپذیر اجتماعی‌اند و در دو راهی مذکور، نفع خود را ترجیح می‌دهند و انتظار جامعه را از خود نیز چنین می‌پندارند. ۱۸٫۱ درصد از ایرانیان نیز از عمل مسئولانه، تعریف شخصی داشته، در موقعیت‌های مذکور، بر مبنای هنجارهای شخصی عمل می‌کنند. بعلاوه، میانگین فشار هنجاری تعهد اجتماعی (فشار وجدانی برای عمل مسئولانه) در ایران بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۶۲٫۷ است و فشار وجدانی برای انجام عمل متعهدانه در ایران بیشتر از فشار وجدانی برای ترک آن است.

واژه‌های کلیدی: تعهد اجتماعی، پذیرش هنجار تعهد، فشار هنجار ذهنی تعهد

مقدمه

تضاد با یکدیگر باشند، مشخص می‌گردد. بعلاوه، همبستگی اجتماعی متضمن دوستی و احترام متقابل در بین اعضا، پیروی از ارزش‌ها و هنجارهای نهادی شده جمع (جامعه) یا کمک مثبت (مؤثر) به تأمین اهداف جمعی (جامعوی) است (پارسونز، ۱۹۷۷: ۳-۱۸۲). در این معنا می‌توان گفت تعهد به جمع (جامعه) و الزامات اجتماعی آن، عنصر ضروری برای همبستگی اجتماعی است.

در بیان اهمیت تعهد اجتماعی و ربط آن با نظام اجتماع، توجه به این نکته حائز اهمیت است که نظام اجتماع، منابع عاطفی و احساسی جامعه را تأمین می‌کند و منشأ به وجود آمدن انواع «ما» در جامعه است. این نظام از طریق تقویت و تداوم روابط عاطفی و معاشرتی باعث شکل‌گیری «ما» ها یا «اجتماعات» گوناگون همچون اجتماعات خانوادگی، دوستی، قومی، مذهبی، همسایگی و نظایر آنها در جامعه می‌شود. با پرورش عاطفی اعضای جامعه در قالب این گونه اجتماعات، انرژی عاطفی مورد نیاز برای ایجاد همبستگی اجتماعی و تنظیم هنجاری جامعه فراهم می‌آید (چلبی، ۱۳۷۵). از طرف دیگر، چون عواطف اجتماعی در جمع و در بستر روابط متقابل شکل می‌گیرد، تداوم آن نیز موقوف به وفاداری اجتماعی و رعایت تعهدات جمعی است و هنجار «تعهد اجتماعی (جامعوی)»، ضمانت لازم را برای استمرار وفاداری‌ها و تعهد اعضا به جمع (جامعه) فراهم می‌آورد (یوسفی، ۱۳۸۸).

براین مبنا، هنجار تعهد اجتماعی با تأکید بر عامترین حالت آن؛ یعنی تعهد اجتماعی، همواره می‌تواند چارچوب اقدامات مسئولانه و دگرخواهانه اجتماعی را شکل دهد و جاری بودن این قاعده در نظام کنش اجتماعی بدان معنا خواهد بود که شرط ضروری انسجام در جامعه فراهم و از ضمانت لازم

هنجارها، قواعد یا دستورالعمل‌های کنش اجتماعی هستند و خطوط مطلوب و نامطلوب کنش را از هم متمایز می‌کنند. از این جهت، نظم و انتظام و جهت‌گیری‌های کنش اجتماعی در جامعه همواره به کم و کیف این قواعد و ضمانت اجرای آنها بستگی دارد. در هر نظام اجتماعی همواره قواعد کلیدی معینی وجود دارد که گردش کار نظام بر پایه آنها می‌چرخد. در خرده «نظام اجتماع»^۲ که کارکرد اصلی آن تأمین «همبستگی»^۳ و «انسجام»^۴ جامعه است (پارسونز، ۱۹۷۷؛ فارارو، ۱۹۸۹)، هنجار محوری اجراء «هنجار تعهد اجتماعی (جامعوی)» است (چلبی، ۱۳۸۱).

نظام اجتماع با استفاده از واسطه تعمیم یافته خود؛ یعنی «نفوذ مبتنی بر تعهد»، بنیان نظم هنجاری را برای سایر خرده نظام‌های اجتماعی فراهم می‌آورد (مونچ، ۱۹۹۳: ۱۲۶). در ادبیات مربوط، نظام اجتماع، «اجتماع اجتماعات» یا «اجتماع جامعوی»^۵ تلقی می‌شود که معنایی معادل مفهوم «ملت»^۶ پیدا می‌کند. «اجتماع جامعوی یک ساختار جمعی است که اعضای آن بایکدیگر «متحد»^۷ یا به معنای دیگر «به هم همبسته»^۸ هستند. مهمترین ویژگی اجتماع جامعه‌ای، نوع و سطح همبستگی^۹ - در معنای دورکیمی است که رابطه بین اعضای آن را مشخص می‌کند. همبستگی یک اجتماع، اساساً بر حسب میزان غلبه «منافع جمعی» بر «منافع فردی» اعضای اجتماع، در جایی که این دو در

¹ Sanction

² Community system

³ Solidarity

⁴ Integration

⁵ Societal community

⁶ Nation

⁷ United

⁸ Associated

⁹ Solidarity

برخوردار گردیده است.

هدف نوشتار حاضر، این است که باتحلیل ثانویه^۱ داده‌های پیمایش انسجام اجتماعی در ایران^۲، تصویری واقع‌نگار از میزان پذیرش هنجار تعهد اجتماعی (جامعوی) و فشار درونی آن در ایران را ترسیم و تفاوت احتمالی این دو خصوصیت را بر پایه برخی از خصوصیات زمینه‌ای، همچون سن، جنس، تحصیل، قومیت، و مذهب تحلیل نماید.

فضای مفهومی تعهد اجتماعی (جامعوی)

در ادبیات جامعه‌شناسی مفهوم «تعهد»^۳ و «مسئولیت»^۴ اجتماعی مترادف هم به کار رفته و در یک فضای مفهومی مشترک تعریف شده‌اند. اگرچه ادبیات جامعه‌شناختی تعهد چندان گسترده نیست، لکن با تکیه به چند مفهوم مترادف، همچون مسئولیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مسئولیت مدنی، اخلاق مدنی، عمل و مسئولیت اخلاقی، رفتار جامعه طرف^۵، جمع‌گرایی و تعهد اجتماعی معانی مورد نظر ترسیم گردیده که ذیلاً به آنها اشاره می‌گردد.

غالباً مفهوم تعهد اجتماعی، ناظر به باور یا نظریه‌ای اخلاقی است که معتقد است هر فرد یا گروهی موظف است چنان عمل کند که به جامعه بیشترین نفع را برساند. این مسئولیت می‌تواند فعالانه از طریق انجام فعالیت‌هایی باشد که مستقیماً در جهت تقویت اهداف جامعه‌اند یا منفعلانه و به صورت شرکت

نکردن در فعالیت‌های مضر اجتماعی باشد. هنگام صحبت از تعهد یا مسئولیت سه مفهوم به هم مرتبط می‌شوند: عامل، عمل و پیامد عمل. وقتی عاملی که اخلاقاً مسؤول است، سرزنش (یا تحسین) می‌شود که عملش به پیامد نامطلوب (یا مطلوب) منتهی شود، اما کسانی مثل فاین برگ^۶ معتقدند این امر هنگامی معنا دارد که عامل سهم‌علی در این پیامد داشته باشد. بنابراین، نخستین عنصر در مسئولیت اخلاقی، علیت است. دومین عنصر نیز آگاهی است یعنی عامل باید از پیامدهای عملش آگاهی داشته باشد. معیار سوم قصد عامل است که اعمال را از حوادث جدا می‌کند. معیار بعدی خواست و اراده است؛ اراده زمانی مطرح می‌شود که فرد امکان انتخاب داشته باشد (رودلف^۷، ۲۰۰۷).

می‌توان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در روابط بین فردی به معنی گرایش افراد به در نظر گرفتن دیگران در کنار خودشان می‌دانند (کرمر و ون لانگ^۸، ۲۰۰۱). فردی که از نظر اجتماعی مسؤول است، آگاهانه پیامدهای عمل خویش را می‌پذیرد، مستقل و با اعتماد است، نسبت به گروه ملتزم است و احساس تعهد دارد (شایه و پرهام^۹، ۱۹۷۴؛ به نقل از گوف^{۱۰} و همکاران، همکاران، ۱۹۵۲).

برخی متفکران مسئولیت و تعهد اجتماعی را به نوعی مترادف با اخلاق شهروندی می‌دانند. اخلاق شهروندی عادت اخلاقی است که مبنای بسیاری از فضایل شهروندی است و به حس مسئولیت‌پذیری شهروندی نسبت به کالای عمومی اطلاق می‌شود. بنابراین، شامل اطاعت از قوانین و رفتار صادقانه و مسؤولانه است. این اخلاق شهروندان را به سمت

^۱ تحلیل ثانویه (secondary analysis) به معنای تحلیل دوباره

داده‌های موجود براساس مفهوم سازی جدید است.

^۲ پیمایش مذکور توسط نویسنده مسؤول در فاصله سال‌های ۱۳۸۳-۴ برای معاونت امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران در ۲۸ مرکز استان کشور انجام گرفته است.

^۳ Commitment

^۴ Responsibility

^۵ prosocial

^۶ Feinberg

^۷ Rudolph

^۸ Cremer, & Van lange

^۹ Schaie, & Parham

^{۱۰} Gough

در زندگی شهروندی است؛ یعنی فرد نگران آسایش دیگران است، آن هم نه فقط در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی (همان به نقل از باوز^۴ و همکاران، ۱۹۹۶).

صاحب‌نظران معتقدند مسئولیت مدنی نیز مانند دیگر مهارت‌های زندگی باید آموزش داده شود، زیرا در فرایند جامعه‌پذیری است که رفتار مطلوب تعریف می‌شود و شخص خود را متعهد به آن می‌یابد (مومنی، ۱۳۸۰). حاصل جامعه‌پذیری موفق، ایجاد احساس تعهد گروهی است. عمل جامعه‌پذیری از طریق نهادهای مختلف انجام می‌شود که در صورت عملکرد نامناسب این نهادها مانند در چارچوب اخلاقیات جامعه، فرد را با هزینه مواجه می‌کند (صباغ پور، ۱۳۸۷: ۱۹۲). به دلیل نقش مهمی که نهادهای آموزش عالی دارند، پنج بعد مسئولیت مدنی در ادبیات آموزش عالی تکرار می‌شود که عبارتند از: ۱- شناخت و نگهداری ارزش‌ها، نظام‌ها و فرایندهای دموکراتیک؛ ۲- تمایل به عمل کردن به نفع جامعه و اعضای آن؛ ۳- استفاده از دانش و مهارت‌ها به نفع جامعه؛ ۴- علاقه و احترام به افراد متفاوت با فرد؛ ۵- پاسخگویی فردی (ثورنتون و جاگر^۵، ۲۰۰۷).

یکی دیگر از رویکردهای مرتبط با مفهوم مسئولیت و تعهد، نظریه تعهد اخلاقی است؛ به این معنی که با اطلاق بار ارزشی به یک عمل، انجام آن اخلاقی یا غیر اخلاقی تلقی شود. بدیهی است که واکنش به انجام دادن یا ندادن یک عمل اخلاقی تحسین یا تقبیح است؛ مثلاً اگر در یک حادثه رانندگی فردی اقدام به نجات جان کودک داخل ماشین کند، عمل او قابل تحسین محسوب می‌شود و اگر نخواهد از تلفن خود برای درخواست کمک استفاده کند، سرزنش می‌شود.

بیشینه کردن بهره عمومی به جای بهره شخصی سوق می‌دهد و مستلزم پذیرش وظایف محوله به جامعه یا اعضای آن است (لتکی^۱، ۲۰۰۶؛ به نقل از ارویسکا و هدرسن^۲، ۲۰۰۲).

دو رویکرد نسبت به منابع اخلاق شهروندی وجود دارد:

نخست رویکرد فرهنگی که می‌گوید هنجارها و ارزش‌های افراد می‌توانند فردی باشند (مثل ارزش‌های دینی دوران کودکی) یا بر اثر جامعه‌پذیری آموخته شده باشند. رویکرد دوم رویکرد نهادی است که اخلاق شهروندی را به کیفیت نظم عمومی و عملکرد مقامات اداری و دولتی ربط می‌دهد. در رویکرد اول، تجربه کنش‌های متقابلی که بر مبنای اعتماد و معامله به مثل باشند، در افراد قابلیت اعتماد را نهادینه می‌کنند یا هنجارهای اخلاقی و رفتار مسؤولانه موجود را تقویت می‌کنند و رویکرد دوم درک منصفانه و کارآمد بودن روش‌های اداره عمومی را در پذیرش و پیروی از آنها مؤثر می‌داند (لتکی، ۲۰۰۶). تایلر^۳ (۱۹۹۰) از جمله کسانی است که به این موضوع می‌پردازد و مفهوم تعهد اصولی در قانون‌گرایی را «رعایت قانون به دلیل درست بودن آن» بیان می‌کند و معتقد است چنین تعهد داوطلبانه‌ای به قانون وقتی حاصل می‌شود که فرد به مشروعیت و انصاف مرجع اعمال قانون باور داشته باشد.

مفهوم دیگری که در ادبیات تحقیق مترادف با مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده می‌شود مسئولیت مدنی است. داسیلوا و همکارانش (۲۰۰۴) مسئولیت مدنی را نگرش‌ها و رفتارهایی می‌دانند که برای جامعه سودمندند و آن را حاصل علاقه به بهبود کالای عمومی می‌دانند. مسئولیت مدنی پذیرش نقش فعال

¹ Leki

² Orviska, & Hudson

³ Tyler

⁴ Bows

⁵ Thornton, & Jaeger

منجر می‌شود. این احساس مسئولیت احتمالاً وقتی بیشتر فعال می‌شود که تصمیم‌گیرندگان تصمیمات خود را برحسب پیامدهایی که برای دیگران دارد، تفسیر کنند؛ یعنی جامعه طرف‌ها پیامد انتخاب‌هایشان برای دیگران را مد نظر دارند و این امر آنها را نسبت به هنجارهای اجتماعی حساس‌تر می‌کند (کرمر و ون لانگ^۵، ۲۰۰۱).

چلبی (۱۳۷۵) مفهوم تعهد اجتماعی را برای بیان اقدامات مسؤولانه ترجیح می‌دهد و منشأ تعهد را، عاطفه^۶ و وابستگی عاطفی می‌داند. به عقیده وی، در هرگونه تعهد اجتماعی، نوعی هم‌ذات‌پنداری^۷ و پاسخ عاطفی به «دیگری» نهفته است. این «دیگری» ممکن است «دیگری انضمامی»، اعم از «دیگرخاص» یا «دیگرمهم» باشد یا نوعی «دیگری تعمیم یافته»؛ یعنی نوعی اجتماع (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۷۵). به نظر وی وابستگی عاطفی به جمع از دو طریق حاصل می‌شود: از طریق رابطه اجتماعی^۸ (عاطفی) با دیگران و از طریق عضویت اجتماعی در اجتماعات. با تداوم تعامل اجتماعی، رابطه اجتماعی شکل می‌گیرد و این رابطه باعث وابستگی عاطفی می‌گردد. پس رابطه اجتماعی، وابستگی عاطفی تولید می‌کند و وابستگی عاطفی ایجاد شده نیز به نوبه خود حافظ این رابطه می‌گردد. علاوه بر رابطه اجتماعی که فی‌نفسه تولید وابستگی عاطفی و علاقه اجتماعی می‌کند، در بستر تعاملات اجتماعی، نوعی جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن صورت می‌گیرد و بدین ترتیب، فرد می‌آموزد که عضو چه گروه(هایی) یا «ما» (هایی) است و همزمان به عنوان عضو آن (ها) مورد خطاب قرار می‌گیرد. در

تحسین یا تقبیح افراد بر مبنای کاری که انجام داده یا انجام نداده‌اند، به معنی نسبت دادن مسئولیت اخلاقی به آنهاست. از نظر تاریخی دو رویکرد فلسفی نسبت به مسئولیت اخلاقی وجود دارد: ۱- منظر شایستگی محور که سرزنش و تحسین را در صورتی مناسب می‌داند که فرد سزاوارش باشد؛ ۲- منظر پیامد محور که سرزنش و تحسین را در صورتی مناسب می‌داند که به تغییر تمایل فرد یا رفتارش منجر شود، اما استراوسن^۱ هر دو رویکرد را اشتباه می‌داند و معتقد است آنچه افراد را از نظر اخلاقی مسؤول می‌کند، تمایلات گسترده آنهاست که از مشارکت در روابط فردی، مانند خشم، تنفر، بخشش و عشق حاصل می‌شود. نقش این تمایلات آن است که نشان دهند چقدر برای ما اهمیت دارد که دیگران، به ویژه آنها که برایمان مهم‌اند، نسبت به ما عواطف و احساسات خوب نشان دهند یا بی‌اعتنا باشند؛ یعنی موضع انفعالی، ناتوانی فرد در برقراری روابط اصیل فردی است و همین موضع او را بیرون از اجتماع اخلاقی قرار می‌دهد (اشلمن^۲، ۲۰۰۹).

مفهوم دیگری که در حوزه رفتارهای شهروندی استفاده می‌شود، رفتارهای «جامعه طرف»^۳ و رفتارهای «فرد طرف»^۴ است. رفتارهای «جامعه طرف» با وزن دهی مثبت به: ۱- پیامدهای عمل برای خود فرد؛ ۲- پیامدهای عمل برای دیگران و ۳- برابری پیامدها نشان داده می‌شود، در حالی که رفتارهای «فرد طرف» با وزن مثبت برای پیامدهای خود و وزن منفی برای پیامد دیگران تعریف می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد جامعه طرف احساس مسئولیت قویتری را تجربه می‌کنند که همین امر به همیاری بیشتر آنها

⁵ Cremer, & Van lange

⁶ Affect

⁷ Identification

⁸ Communal

¹ Strawson

² Eshleman

³ prosocial

⁴ proself

تعریف پیشنهادی هنجار تعهد اجتماعی

در تعریف هنجار، دو عنصر اساسی نهفته است: نخست اینکه هنجارها، تقریر قواعد ارزیابی کننده یا کنش‌های الزام آورند و دیگر اینکه الزام آوری این قواعد از سوی اعضای جامعه تایید و تصدیق شده است (روسی، ۱۹۸۵: ۳۳۳).

هنجارها، «تکالیف^۲ اجتماعی اند^۳ و از دو طریق باعث کنترل و هدایت کنش در نظام تعاملی می‌گردند: یکی از طریق درونی شدن در نظام شخصیت و دیگری نهادی شدن در نظام اجتماعی. درحالت نخست، هنجارها یا فشارهای هنجاری سهم بیشتری در تنظیم کنش پیدا می‌کنند. درونی شدن هنجارها در نظام شخصیت بدین معناست که کنشگر، هنجارهای اجتماعی را کاملاً پذیرفته و عادات‌های انتخاب او تحت راهنمایی هنجارها قرار گرفته است و نهادی شدن هنجار بدین معناست که انتظارات نقش و تکالیف اجتماعی بر پایه هنجارهای اجتماعی تعریف و تحدید شده، کنشگر در موقعیت تعاملی براساس انتظارات جامعه عمل می‌کند. درونی شدن و نهادی شدن هنجارها متضمن این معنا هستند که خرده نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصیت درهم تنیده شده و بر روی یکدیگر اثر گذاشته‌اند (پارسونز،

² Obligations

^۳ تکالیف، رفتارهای کنترل شده‌ای هستند که از طریق نیروهای خارج از فرد تنظیم می‌شوند. نظریه خودگردانی، چهارنوع انگیزه را برای رفتار بر می‌شمارد: ذاتی، هویتی، درون فکن و بیرونی. انگیزه ذاتی به لذتی که از فعالیت حاصل می‌شود و انگیزه هویتی به ارزش‌هایی که فرد جذب کرده مربوط می‌شود و با هم خود تنظیمی یا آنچه فرد می‌خواهد را شکل می‌دهند. اما انگیزه‌های درون فکن و بیرونی «باید» نظام انگیزشی را می‌سازند. درون فکن‌ها فشارهای بیرونی را که در ما درونی شده‌اند نشان می‌دهند و رفتارهای ما را از طریق ایجاد احساس گناه، اضطراب، و تمایل به خوشنود کردن دیگران کنترل می‌کنند (جانف بالمن و لگات، ۲۰۰۲).

فرایند جامعه پذیری یا شاید بهتر است گفته شود، فرایند آموزش و پرورش، هم پتانسیل‌های عاطفی فرد پرورش می‌یابد و هم فرد به تدریج گرایش عاطفی مثبت به دیگران و «ما» (های) معین پیدا می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲-۱۰۱).

پارسونز (۱۹۷۷) تعهد اجتماعی را «هم ذات پنداری» با جمع می‌داند که به معنای پذیرش انگیزشی عضویت (تعهد انگیزشی عمیق) در نظام‌های جمعی است و این امر از منظر کارکردی که برای نظام جمعی دارد، معادل همبستگی است (پارسونز، ۱۹۷۷: ۲۵۱). بعلاوه، او معتقد است آموختن و درونی کردن عواطف، به انتظارات مختلف عضویت در جمع، نظم و ساخت معینی داده، به سازگاری با هنجارهای اجتماعی منجر می‌گردد. در چارچوب رویکرد پارسونزی و با الهام از دیدگاه چلبی، برخی از پژوهشگران داخلی (نوروزی، ۱۳۸۷؛ معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸) از مفهوم تعهد اجتماعی برای نشان دادن اعمال مسئولانه و دگرخواهانه استفاده کرده‌اند. نوروزی (۱۳۸۷) تعهد اجتماعی را درجه‌ای از درونی شدن ارزش‌ها و اهداف و نوعی حس وفاداری به جامعه دانسته است. به نظر معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸) تعهد اجتماعی یا دگرخواهی عبارت است از اینکه فرد فراتر از تعهداتش عمل کند و منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد. در تحقیقات خارجی نیز مفهوم تعهد با تأکید بر معنای مسئولیت مدنی (داسیلوا و همکاران، ۲۰۰۴؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸)، نوع دوستی و تعهد مدنی (باوز و فلاناگان، ۱۹۹۹ به نقل از داسیلوا و همکاران، ۲۰۰۴)، مسئولیت جمعی و مسئولیت ملی (میلر، ۲۰۰۷ به نقل از پیریک^۱، ۲۰۰۸) سنجش شده است.

¹ Pierik

می‌شمارند و پنداشت آنها از انتظار جامعه نیز چنین است.

ب- تعهدناپذیران اجتماعی: کنشگرانی هستند که در دوراهی نفع فرد- جامعه، نفع خود را ترجیح می‌دهند و انتظار جامعه را از خود نیز چنین می‌دانند.

ت- تعهدپذیران فردی: کنشگرانی هستند که در دو راهی نفع فرد- جامعه، نفع جامعه را ترجیح می‌دهند، اما انتظار جامعه را خلاف این می‌دانند.

ث- تعهدناپذیران فردی: شامل کنشگرانی است که در دوراهی نفع فرد- جامعه، نفع فردی را ترجیح می‌دهند، اما انتظار جامعه را خلاف این می‌دانند.

۲. میزان فشار هنجار ذهنی تعهد: به معنای فشار درونی یا وجدانی برای گذشت از نفع شخصی خود در جهت اهداف جمعی است. این فشار بر حسب اهمیت انتظار دیگری عام (مردم) برای کنشگر مشخص می‌گردد.

فرصیات اساسی

بر اساس تعریف تعهد اجتماعی و دو جزء مفهومی آن؛ یعنی پذیرش هنجار و فشار هنجار ذهنی تعهد اجتماعی، دو گمانه ذیل را می‌توان مطرح نمود:

۱- فراوانی تعهدپذیران اجتماعی نسبت به سه گروه دیگر (تعهدناپذیران اجتماعی، تعهدپذیران فردی و تعهد ناپذیران فردی) بیشتر است.

۲- فشار هنجار ذهنی تعهد اجتماعی در میان گروه‌های تعهدپذیر، بیشتر از گروه‌های تعهدناپذیر است. بعلاوه، فرصه اکتشافی سومی را نیز می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

۳- گروه‌بندی‌های زمینه‌ای^۲ و تعهدی^۱ و همچنین،

^۲ گروه بندی زمینه‌ای شامل تمایزات سنی، جنسی، تحصیلی، قومی و مذهبی است.

۱۹۷۷: ۱۶۹). هنجارها بر حسب تأثیری که در نظام کنش دارند، اهمیت پیدا می‌کنند. هنجار تعهد اجتماعی^۱، یکی از هنجارهای محوری اجرا در حوزه نظام اجتماع است. تعهد اجتماعی حاکی از هم ذات پنداری و وابستگی عاطفی کنشگر با اجتماع عام یا جامعه است و از این جهت متضمن ترجیح منافع جامعه بر منافع کنشگر است؛ این ترجیح، احساس مسؤولیت کنشگر را نسبت به سرنوشت جامعه نشان می‌دهد. فشار هنجار تعهد در اینجا بدین معناست که کنشگر اجتماعی، بر وفق انتظار جامعه یا دیگری عام، منافع جامعه کل را بر منافع خود یا گروه خود مقدم می‌دارد؛ بدین ترتیب تعهد اجتماعی دلالت روشنی بر جمع‌گرایی کنشگر دارد و لذا چنانچه کنشگر مطابق انتظار جامعه از منافع شخصی خود چشم‌پوشی نماید، معنایش این خواهد بود که او هنجار تعهد اجتماعی را پذیرفته است. در این حالت، میزان اهمیت انتظار جامعه برای فرد در گذشتن از نفع شخصی، فشار هنجار ذهنی یا فشار درونی و وجدانی تعهد اجتماعی را نشان خواهد داد. بدین ترتیب، فشار هنجار تعهد اجتماعی بر حسب دو شاخص شامل میزان پذیرش هنجار تعهد و فشار هنجار ذهنی تعهد مطابق شرح ذیل معین می‌شود:

۱. میزان پذیرش هنجار تعهد: به معنای انطباق سوگیری کنشگر با انتظار دیگری عام (مردم) در گذشتن از نفع شخصی در جهت اهداف جمعی است. بر حسب نحوه انطباق سوگیری کنشگر با انتظار دیگری عام، چهار دسته کنشگر را می‌توان از هم متمایز نمود:

الف- تعهدپذیران اجتماعی: کنشگرانی هستند که در دو راهی نفع فرد- جامعه، نفع جامعه را مقدم

^۱ Societal commitment

شکل ۱- سؤال‌های هنجار تعهد اجتماعی (پذیرش

هنجار و فشار هنجار ذهنی آن)

* امیدواریم دوباره جنگی در کشور اتفاق نیفتد، اما تصور کنید دوباره جنگ ناخواسته‌ای بر کشور تحمیل شده است و دولت از افراد داوطلب خواسته که در جبهه حضور پیدا کنند. بسیاری از افراد بر سر دو راهی رفتن یا نرفتن به جبهه قرار می‌گیرند. اگر شما در این وضعیت قرار بگیرید، کدام راه را انتخاب می‌کنید؟ رفتن یا نرفتن به جبهه؟^۳

(۱) رفتن به جبهه
(۲) نرفتن به جبهه

* در چنین وضعیتی، اکثر مردم انتظار دارند کدام راه را انتخاب کنید؟ رفتن یا نرفتن به جبهه را؟

(۱) رفتن به جبهه
(۲) نرفتن به جبهه

* انتظار مردم در این باره (رفتن/ نرفتن به جبهه)، تا چه اندازه برای شما اهمیت دارد؟

(۴) خیلی زیاد	(۳) زیاد	(۲) متوسط
(۱) کم	(۰) خیلی کم	

روش تحلیل

برای توصیف پذیرش هنجار تعهد اجتماعی از جداول تقاطعی^۴ و برای مقایسه فشار هنجار ذهنی تعهد اجتماعی در بین رده‌های مختلف اجتماعی، از روش تحلیل واریانس یک طرفه و دو طرفه استفاده شده است.

یافته‌ها

۱. ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

از مجموع ۱۴۳۳۶ نفر پاسخگوی ساکن در ۲۸ مرکز استان کشور، ۵۰٫۶ درصد مرد و ۴۹٫۴ درصد زن

^۳ در صورتی که پاسخگو مونث بوده یا از نظر جسمی شرایط حضور در جبهه را نداشته، از او پرسیده شده است آیا حاضر است نزدیکترین کس خود (برادر/ فرزند/...) را به جبهه بفرستد یا نه؟

^۴ Cross tabulation

تعامل این دو نوع گروه‌بندی بر فشار هنجار ذهنی تعهد اجتماعی تأثیر دارد.

روش تحقیق

داده‌های مورد استناد در نوشتار حاضر برگرفته از داده‌های پیمایش انسجام اجتماعی در ایران است که در فاصله سال‌های ۴-۱۳۸۳ در ۲۸ مرکز استان کشور، به انجام رسیده است. جامعه آماری پیمایش مذکور، مجموع افراد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن مراکز استان‌ها بوده‌اند. تعداد نمونه این پیمایش که به روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای انتخاب شده‌اند، ۱۴۳۳۶ نفر بوده‌اند. پرسشنامه مربوط نیز از طریق انجام مصاحبه حضوری با پاسخگویان تکمیل شده است.^۱ از آنجا که مفهوم اصلی نوشتار حاضر «هنجار تعهد اجتماعی» است، ذیلاً چگونگی سنجش آن تشریح می‌گردد.

چگونگی سنجش هنجار تعهد اجتماعی

برای سنجش پذیرش هنجار تعهد یک وضعیت فرضی (وضعیت شروع جنگ و رفتن به جبهه) به شرح شکل ۱، با دو گزینه پاسخ به صورت انتخاب بین رفتن یا نرفتن به جبهه برای پاسخگو ترسیم گردیده و سپس برای سنجش فشار هنجار ذهنی تعهد، اهمیت انتظار جامعه برای پاسخگو در رفتن / نرفتن به جبهه مورد سؤال قرار گرفته است.

^۱ گروه‌بندی تعهدی شامل چهار خرده‌گروه تعهد‌پذیران اجتماعی، تعهدناپذیران اجتماعی، تعهد‌پذیران فردی و تعهدناپذیران فردی است.

^۲ علاوه بر انجام پیش‌آزمون، اعتباریابی صورتی بر روی کلیه مقیاس‌های پیمایش مذکور، از جمله مقیاس هنجار تعهد اجتماعی انجام گرفته است و پتج داور متخصص در باره یکایک مقیاس‌ها قضاوت کرده‌اند. برای آگاهی از چگونگی انجام و نتایج پیمایش ملی مذکور رک: یوسفی، علی و عظیمی مزگان. (۱۳۸۴). انسجام اجتماعی در ایران، معاونت امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور.

درصد جزو تعهدپذیران فردی و ۱۱ درصد جزو تعهدناپذیران فردی محسوب می‌شوند.

• تفاوت تعهدپذیری در بین چهارگروه مذکور (تعهدپذیران اجتماعی، تعهدناپذیران اجتماعی، تعهدپذیران فردی و تعهدناپذیران فردی) نیز از لحاظ آماری کاملاً معنادار است^۱.

۳. فشار هنجار تعهد اجتماعی

فشار هنجار ذهنی تعهد، احساس فشار درونی و وجدانی برای انجام عمل مسئولانه است. این احساس فشار بر حسب اهمیت نظر جامعه (مردم) برای فرد در رفتن یا نرفتن به جبهه بر روی مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برآورد شده است. نتایج آزمون مقایسه میانگین فشار هنجار ذهنی تعهد در جدول ۲ نشان می‌دهد که اولاً دامنه فشار هنجاری تعهد اجتماعی در میان پاسخگویان بین حداقل ۰ و حداکثر ۱۰۰ در نوسان است؛ ثانیاً میانگین کلی فشار هنجاری ۶۲٫۷ است که کمی بالاتر از حد متوسط تلقی می‌شود، این در حالی است که فشار هنجاری در بین حدود نیمی از پاسخگویان بالاتر از ۷۵ است؛ ثالثاً پراکندگی این فشار نیز نسبتاً پایین است. (۳۰٫۳) است.

هستند. از لحاظ وضع فعالیت، ۳۳٫۴ درصد شاغل، ۱۲٫۵ درصد بیکار، ۳۰٫۵ درصد خانه دار، ۱۸٫۵ درصد دانش آموز و ۵٫۱ درصد بازنشسته هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۳٫۴ سال است و از لحاظ تحصیلی، ۳۴٫۲ درصد تحصیلات زیر دیپلم ۴۵٫۱ درصد تحصیلات دیپلم و ۲۰٫۷ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. ۹۴ درصد پاسخگویان شیعه و ۶ درصد سنی‌اند. از لحاظ قومی، ۵۴٫۶ درصد پاسخگویان فارس، ۲۲٫۲ درصد ترک، ۱۱٫۲ درصد کرد، ۷٫۶ درصد لر، ۲٫۴ درصد عرب و ۱٫۹ درصد بلوچ هستند.

۲. پذیرش هنجار تعهد اجتماعی

پذیرش هنجار تعهد اجتماعی بر حسب انطباق عمل فرد با انتظار جامعه در شرایط جنگ برآورد شده است؛ بدین معنا که فرد در شرایط فرضی جنگ تا چه اندازه بر وفق انتظار جامعه حاضر است در جبهه حضور پیدا کند. این نتایج در جدول تقاطعی شماره ۱ منعکس شده؛ از روی اعداد روی قطر جدول، پذیرش یا عدم پذیرش هنجار تعهد را می‌توان تشخیص داد. ذیلاً به نتایج مهم آن اشاره می‌شود:

• ۶۴٫۶ درصد از پاسخگویان تعهدپذیر اجتماعی‌اند و سوگیری مسئولانه آنها در امتداد انتظارات جامعه است؛ یعنی در وضعیت‌هایی (مثل جنگ) که در دو راهی نفع جامعه - نفع خود قرار می‌گیرند، به نفع جامعه عمل می‌کنند.

• در مقابل ۱۷٫۳ درصد از پاسخگویان نیز تعهدناپذیر اجتماعی‌اند و در دو راهی مذکور، نفع خود را ترجیح می‌دهند و انتظار جامعه را از خود نیز چنین می‌پندارند.

• ۱۸٫۱ درصد از افراد نیز از عمل مسئولانه، تعریف شخصی داشته و در موقعیت‌های مذکور، بر مبنای هنجارهای شخصی عمل می‌کنند که از این تعداد ۷٫۱

^۱ برای پی بردن به این تفاوت، ابتدا بر حسب نتایج جدول ۱، یک متغیر اسمی جدید با چهار مقوله تعهدپذیر اجتماعی، تعهدناپذیر اجتماعی، تعهدپذیر فردی و تعهدناپذیر فردی ایجاد شده و سپس فراوانی مشاهده شده این چهار مقوله با فراوانی مورد انتظار آنها (با فرض مساوی بودن مقولات) با استفاده از آزمون کای اسکوار مقایسه و سطح معناداری (Asymp. Sig) مربوط محاسبه گردیده است.

جدول ۱- پذیرش فشار هنجار تعهد اجتماعی در بین افراد ۱۵ ساله و بالاتر ایرانی (تعداد پاسخگو = ۱۴۳۳۶)

انتظار مردم		رفتن به جبهه		رفتن به جبهه (جمع گرا)		رفتن به جبهه (فردگرا)		جمع کل	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۸۴۸۷	۶۴,۶	۹۲۷	۷,۱	۹۴۰۵	۷۱,۷	۱۴۴۱	۱۱,۰	۲۲۷۴	۲۸,۳
۹۹۱۹	۷۵,۶	۳۲۰۱	۲۴,۴	۱۳۱۲۰	۱۰۰				

معناداری تفاوت تعهدپذیری در بین چهار گروه : ۰,۰۰۰

جدول ۲- فشار هنجار تعهد اجتماعی در بین افراد ۱۵ ساله و بالاتر ایرانی (تعداد پاسخگو = ۱۴۳۳۶)

حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	انحراف معیار
۰	۱۰۰	۶۲,۷	۷۵	۳۰,۳

تعهدی، تفاوتی معنادار دارد. در این میان، میانگین فشار مذکور در بین تعهدپذیران اجتماعی که اکثر پاسخگویان را تشکیل می‌دهند، به طور محسوسی بیش از سه گروه دیگر است. در بین رده بندی های مختلف جنسی، تحصیلی، سنی، قومی و مذهبی، تنها تفاوت میانگین فشار هنجار تعهد در بین رده های تحصیلی و مذهبی کاملاً معنادار است.

• وقتی گروه بندی های تعهدی و زمینه ای در تعامل باهم قرار می‌گیرند، اثر متفاوتی بر فشار هنجار ذهنی تعهد باقی می‌گذارند. به طوری که این تعامل جز در یک مورد (تعامل سن و تعهدپذیری)، اثر کاملاً معناداری بر فشار هنجاری تعهد، باقی می‌گذارد. در این میان، وجود برخی تفاوت‌ها و روندهای محسوس در میان برخی از رده بندی‌ها، حائز توجه بیشتری است؛ چنانکه میانگین فشار هنجار تعهد در میان رده‌های سه گانه تحصیلی، در گروه تعهدپذیران اجتماعی کاملاً متفاوت است و با افزایش سطح تحصیلات این فشار کاهش پیدا می‌کند. همین معنا در مورد رده‌های تحصیلی در گروه تعهدناپذیران فردی نیز صادق است.

۳. مقایسه میانگین فشار هنجار تعهد اجتماعی در بین گروه‌های زمینه‌ای و تعهدی

با استفاده از روش تحلیل واریانس دو طرفه، تفاوت میانگین فشار هنجاری تعهد اجتماعی در رده بندی های مختلف زمینه‌ای و رده بندی های تعهدی (با چهار گزینه تعهدپذیران اجتماعی، تعهدناپذیران اجتماعی، تعهدپذیران فردی و تعهدناپذیران فردی) و همچنین، در گروه بندی های حاصل از تعامل این دودسته متغیر در جدول ۳ نشان داده شده است. معنادار بودن تفاوت میانگین فشار هنجاری در ردیف های مربوط، بدین معناست که تفاوت میانگین فشار هنجاری در گروه بندی های نمونه، با قبول حداکثر خطای ۵ درصد به جمعیت آماری (افراد ساکن در مراکز استان‌های کشور) نیز قابل تعمیم خواهد بود. بعلاوه، معنادار بودن تفاوت میانگین ها در هر ردیف، متضمن این معنا نیز هست که این تفاوت ناشی از تفاوت رده بندی اجتماعی مربوط است. با این توضیح، به نتایج عمده تحلیل واریانس های دو طرفه به شرح مندرج در جدول ۳ اشاره می‌گردد:

• میانگین فشار هنجار تعهد در بین گروه های چهارگانه

جدول ۳. نتایج مقایسه میانگین فشار هنجار تعهد در بین گروه‌های تعهدی و زمینه‌ای ایرانیان (تعداد پاسخگو = ۱۴۳۷۶)

سن	تحصیلات				جنسیت		تعداد پاسخ معتبر	تعهد پذیری	
	۵۱-۶۰	۶۱-۷۰	۷۱-۸۰	۸۱-۹۰	زن	مرد			
۷۲,۷	۷۱,۷	۷۱,۷	۷۲,۰	۶۹,۴	۷۲,۰	۷۳,۰	۷۰,۹	۷۳,۱	تعهد پذیران اجتماعی
۵۴,۲	۴۹,۳	۵۱,۴	۵۰,۰	۵۱,۹	۴۹,۶	۵۲,۴	۵۲,۷	۴۹,۴	تعهد ناپذیران اجتماعی
۴۷,۷	۴۶,۸	۵۰,۵	۴۹,۹	۴۷,۲	۴۹,۴	۴۹,۸	۴۸,۱	۵۰,۰	تعهد پذیران فردی
۴۶,۲	۴۴,۱	۴۲,۰	۳۹,۷	۳۶,۳	۴۰,۶	۴۷,۵	۴۲,۹	۴۰,۷	تعهد ناپذیران فردی
۲۹۱۵	۲۳۵۷	۳۰۲۰	۴۷۵۷	۲۴۵۴	۵۴۵۸	۴۱۳۲	۶۴۰۳	۶۶۵۳	
	۰,۰۰۰			۰,۰۰۰			۰,۰۰۰		معناداری تفاوت فشار هنجار تعهد در بین گروه‌های چهارگانه تعهد پذیر (sig.)
	۰,۰۷۴			۰,۰۰۰			۰,۵۹۷		معناداری تفاوت فشار هنجار تعهد در بین گروه‌های زمینه‌ای (sig.)
	۰,۰۶۷			۰,۰۰۱			۰,۰۰۰		معناداری تفاوت فشار هنجار تعهد در بین گروه بندی حاصل از تعامل خصوصیت زمینه‌ای و متغیر تعهد پذیری (sig.)

ادامه جدول ۳

قومیت	مذهب							تعداد پاسخ معتبر	تعهد پذیری	
	قزاق	کرد	لر	مازندرانی	آذربایجانی	گیل و لیکه	ترک			
۷۱,۰	۷۷,۲	۷۶,۳	۷۱,۵	۷۲,۲	۷۶,۲	۷۵,۱	۷۱,۹		تعهد پذیران اجتماعی	
۵۲,۸	۴۳,۱	۵۰,۲	۴۷,۳	۵۰,۹	۴۷,۳	۴۶,۹	۵۱,۵		تعهد ناپذیران اجتماعی	
۴۸,۵	۳۲,۵	۵۴,۲	۴۷,۹	۴۷,۶	۶۶,۴	۵۷,۳	۴۸,۴۸		تعهد پذیران فردی	
۴۱,۵	۵۱,۰	۳۹,۲	۴۴,۶	۴۳,۸	۴۲,۵	۴۹,۲	۴۱,۵۳		تعهد ناپذیران فردی	
۶۹۸۳	۲۹۱	۹۸۰	۱۴۷۳	۲۷۸۴	۲۶۳	۸۲۰	۱۲۱۸۹			
	۰,۰۰۰					۰,۰۰۰			معناداری تفاوت فشار هنجار تعهد در بین گروه‌های چهارگانه تعهد پذیر	
	۰,۲۲۳					۰,۰۰۴			معناداری تفاوت فشار هنجار تعهد در بین گروه‌های زمینه‌ای	
	۰,۰۰۰					۰,۰۰۰			معناداری تفاوت فشار هنجار تعهد در بین گروه بندی حاصل از تعامل خصوصیت زمینه‌ای و متغیر تعهد پذیری	

بحث و نتیجه گیری

هنجارها، قواعد ارزیابی کننده و الزام آوری هستند که مورد تصدیق و تایید اعضای جامعه قرار گرفته، از

طریق درونی شدن در نظام شخصیت افراد و نهادی شدن در نظام اجتماعی، رفتارهای اجتماعی را کنترل و هدایت می‌کنند. درونی شدن و نهادی شدن هنجارها

ثانیا: در حالیکه میانگین کلی فشار وجدانی برای انجام عمل مسئولانه (فشار هنجار تعهد) در بین ایرانیان کمی بالاتر از حد متوسط (۶۲,۷) است، اما این فشار به‌طور کم و بیش یکسانی در بین آنان توزیع شده است.

ثالثا: تفاوت میانگین فشار هنجار تعهد در بین چهار گروه تعهد‌پذیر کاملاً معنادار است، اما به‌طور کلی، فشار هنجاری در بین گروه‌های تعهد‌پذیر بیش از گروه‌های تعهدناپذیر است و این بدان معناست که فشار وجدانی برای انجام عمل متعهدانه در ایران بیشتر از فشار وجدانی برای ترک آن است.

رابعاً: تقریباً در بین همه رده‌های زمینه‌ای، درصد تعهد‌پذیری افراد بیش از تعهدناپذیری آنان است.

خامساً: اثر تعاملی متغیر تعهد‌پذیری و متغیرهای زمینه‌ای (جز در مورد تعامل سن و تعهد‌پذیری)، بر روی فشار هنجار تعهد اجتماعی کاملاً معنادار است.

آگاهی از تغییرات فشار هنجار ذهنی تعهدات اجتماعی، شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت انسجامی جامعه است. اگرچه داده‌ها حاکی از این است که هم تعهد‌پذیری و هم فشار هنجار ذهنی تعهد اجتماعی در همه لایه‌های اجتماعی در ایران بالاتر از حد متوسط است، لکن از آنجا که توانایی تنظیم‌کنندگی نظام اجتماع و همبستگی جامعه قوی‌تر است، اثرات کم و کیف تعهدات اجتماعی است، ضروری به نظر می‌رسد همواره میزان تعمیم‌پذیری تعهدات اجتماعی و نوسان‌های آن در لایه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی به‌طور مداوم رصد شود. نکته در خور تأمل در اینجا به تضاد بالقوه‌ای مربوط است که در عرصه کنش عاطفی جامعه، بویژه در شرایط تعدد و گوناگونی اجتماعات، محتمل است و آن تعارض «قوم‌گرایی - ملی‌گرایی» است. چنین تقابلی، امکان تداوم

متضمن این معنا هستند که خرده‌نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصیت در هم تنیده شده و بر روی یکدیگر اثر گذاشته‌اند. هنجارها برحسب تأثیری که در نظام کنش دارند، اهمیت پیدا می‌کنند. هنجار تعهد اجتماعی، یکی از هنجارهای محوری اجرا در نظام اجتماع است که سهم اساسی در انسجام جامعه دارد. تعهد اجتماعی حاکی از هم‌ذات‌پنداری و وابستگی عاطفی کنشگر با اجتماع عام یا جامعه است و از این جهت، متضمن ترجیح منافع جامعه بر منافع کنشگر است؛ این ترجیح احساس مسئولیت کنشگر را نسبت به سرنوشت جامعه نشان می‌دهد.

فشار هنجار ذهنی تعهد نیز بدین معناست که کنشگر، بر وفق انتظار مردم، منافع جامعه را بر منافع خود یا گروه خود مقدم می‌دارد؛ و لذا چنانچه کنشگر آماده باشد مطابق انتظار جامعه از منافع شخصی خود چشم‌پوشی کند، معنایش این خواهد بود که او هنجار تعهد اجتماعی را پذیرفته است. در این حالت، درجه اهمیت انتظار جامعه برای فرد در رعایت هنجار تعهد، فشار هنجار ذهنی یا فشار درونی و وجدانی تعهد را نشان خواهد داد. نتایج تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی انسجام اجتماعی در ایران نشان داد که:

اولاً: ۶۴,۶ درصد پاسخگویان تعهد‌پذیر اجتماعی‌اند؛ یعنی در دو راهی نفع جامعه - نفع خود، نفع جامعه را ترجیح می‌دهند و انتظار جامعه را از خود نیز چنین می‌دانند. در مقابل ۱۷,۳ درصد از ایرانیان نیز تعهدناپذیر اجتماعی‌اند و در دو راهی مذکور، نفع خود را ترجیح می‌دهند و انتظار جامعه را از خود نیز چنین می‌پندارند. ۱۸,۱ درصد از افراد نیز از عمل مسئولانه، تعریف شخصی داشته، در موقعیت‌های مذکور، بر مبنای هنجارهای شخصی عمل می‌کنند.

۵ - معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز. (۱۳۸۸). «اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی شهر ارومیه» *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، ش ۱: ۴۷-۶۷.

۶ - مومنی، پروین. (۱۳۸۰). «قانون گریزی، علل و عوامل» *مجله وکالت*، ش ۵۸: ۶-۶۲.

۷ - نوروزی، فیض الله. (۱۳۸۷). «تعهد اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن» *جامعه شناسی*، دانشگاه آزاد واحد خلخال.

۸ - یوسفی، علی. (۱۳۸۳). «رابطه احساس هویت قومی و ملی در ایران» *کاوش (رابطه بین قومی در ایران)*، تهران: وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها، ۸۴-۹۸.

۹ - یوسفی، علی و عظیمی، مژگان. (۱۳۸۴). *انسجام اجتماعی در ایران (گزارش تحقیق)*، تهران، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها.

۱۰ - یوسفی، علی. (۱۳۸۸). *سامانه اطلاعات اجتماعی شهر مشهد: چارچوب مفهومی و روش شناختی (گزارش تحقیق)*، مشهد، شهرداری مشهد، معاونت فرهنگی اجتماعی.

11- Cremer, D.D. & Van Lange, P.A.M. (2001). Why prosocials exhibit greater cooperation than the proselves. *European journal of personality*, 15, 5_18.

12- Da Silva, L., et al. (2004). Civic Responsibility among Australian Adolescents: Testing Two Competing Models. *Journal Of Community Psychology*, 32(3), 229-255.

13- Eshleman, A. (2009). Moral Responsibility, The Stanford Encyclopedia of philosophy, Edward N. Zalta (ed.), URL =

کنش (روابط) عاطفی، بویژه در بین اجتماعات و گروه‌های اجتماعی را از بین می‌برد و تعهدات اجتماعی را به خطر می‌اندازد و به تبع آن جامعه را با مشکل انسجامی روبه رو می‌سازد. در چنین وضعیتی ضروری است بین قوم‌گرایی و ملی‌گرایی «رابطه مکمل» [رابطه این و آن] منظور نمود و ارزش‌ها و عناصر مشترک قومی و ملی را مبنای تشکیل اجتماع عام قرارداد (یوسفی، ۱۳۸۸).

با چنین رویکردی، هنجار تعهد اجتماعی هنجاری عام و انتشاری است که قادر به حل تعارضات احتمالی اجتماعات، بویژه تعارض قومیت- ملیت خواهد بود و نتایج برخی از مطالعات قومی در ایران (یوسفی، ۱۳۸۳؛ حاجیانی، ۱۳۸۷) نیز گویای این است که تعهدات قومی و ملی در ایران، تداخل و اشتراک زیادی داشته، بر روی یک پیوستار قرار می‌گیرند.

منابع

۱ - حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی» *فصلنامه جامعه شناسی ایران*، ش ۲۴، صص ۱۴۳ - ۱۶۴.

۲ - چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)*، تهران: نشر نی.

۳ - چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). *چارچوب مفهومی ارزش‌ها و نگرش‌ها*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴ - صباغ پور، علی اصغر. (۱۳۸۷). *منافع فردی و منافع جمعی*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

- 23-Smidt, etal. (2008). *Pews, Prayers, and Participation: Religion and Civic Responsibility in America*. Washington DC: Georgetown University Press.
- 24-Thornton, C. H. & Jaeger, A. J.(2007). A New Context For Understanding Civic Responsibility: Relating Culture To Action At A Research University. *Research in Higher Education*, 48(8).
- 25-Turner, J.(1993). Analytical Theorizing. In Giddens, A. & Turner,J. (Eds.), *The Social theory today* (PP.156-194):Polity Press.
- 26-Tyler, T.(1990). *Why people obey the law*. Yale university press.
- <http://plato.stanford.edu/archives/win2009/entries/moral-responsibility/>>.
- 14-Fararo, T. (1989). *The meaning of general theoretical Sociology*. Cambridge University Press.
- 15-Janoff-Bulman, R. & Leggatt, H. K. (2002). Culture and Social Obligation: When “Shoulds” are Perceived as “Wants”. *Journal of Research in Personality*,36, 260–270.
- 16-Letki, N. (2006). Investigating the Roots of Civic Morality: Trust, Social Capital, and Institutional Performance. *Polit Behavior*, 28,305–325.
- 17-Munch, R.(1993). Parsonian theory today, In search of a new synthesis. In Giddens, A. & Turner,J. (Eds.), *The Social theory today* (PP. 116-155):Polity Press.
- 18-Parsons, T.(1977). *Social systems and the evolution of action theory*. New York: The Free press.
- 19-Pierik, R. (2008). Collective responsibility and national responsibility. *Critical Review of International Social and Political Philosophy* ,11 (4),465–483.
- 20-Rossi, P. & Berk , R.(1985). Varieties of normative consensus. *American Sociological Review*,50 , 333-347.
- 21-Rudolph, A. (2007). Collective Moral Responsibility. *Honors Theses*. Paper 262.<http://digitalcommons.colby.edu/honorstheses/262>
- 22-Schaie, K.W. & Parham, I.A. (1974). Social responsibility in adulthood. *Personality and social psychology*, 30(4), 483-492.